

دالان تورانی ناتو علیه کیست؟

اصرار باکو و آنکارا بر «دالان تورانی ناتو» نه تنها به تحقق این دالان منجر نخواهد شد بلکه با ایجاد واگرایی منطقه ای و به دلیل اتکاء بر قوم گرایی، آینده قراباغ را مبهم تر، اختلافات داخلی در حاکمیت علی اف را تشدید و نارضایتی و گسل های قومی در جمهوری آذربایجان را فعال تر خواهد ساخت.

آران نیوز: با گذشت بیش از ۲۲ ماه از پروژه جنگ دوم قراباغ هنوز موضوع «دالان تورانی ناتو» که توسط جمهوری آذربایجان و ترکیه با عنوان جعلی و بی پایه «کریدور زنگزور» نام برده می شود، بشدت در دستور کار ناتو با محوریت انگلستان و صهیونیسم بین الملل و با کارگزاری و پیمانکاری باکو و آنکارا قرار دارد. دلیل این موضوع آن است که اساسا پروژه جنگ دوم قراباغ نه برای آزادی قراباغ بلکه به عنوان پوششی برای اجرای «دالان تورانی ناتو» بود که تاکنون ناکام مانده است. موید این ادعا آن است که اگر واقعا جمهوری آذربایجان «اراده مستقل» برای آزادی قراباغ داشت علی القاعده باید در طول ۲۶ سال از آتش بس ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۰ برای این موضوع، اقدامی هر چند محدود و گام به گام انجام می داد، و با آگاهی از مخالفت امریکا، انگلستان و فرانسه با هرگونه عملیات نظامی، منفعلانه بر ادامه فعالیت گروه مینسک اصرار نمی کرد و یا با توقف تبلیغات ایران ستیزانه، حداقل به طرح و پیشنهاد تهران برای آزادی اراضی اشغالی این کشور پاسخ منفی نمی داد. از اینرو به نظر می رسد با تغییرات پارادایمی در نگاه بازیگران به تحولات اوراسیا، قراباغ نیز از سال ۲۰۲۰ به وجه المصالحه و ابزاری برای پیشبرد امیال ژئوپلیتیکی ناتو و صهیونیسم بین الملل تبدیل شده است که محوریت آن را ایجاد «دالان تورانی ناتو» با هدف ضربه زدن به منافع اساسی ایران، روسیه و چین تشکیل می دهد که توضیح آن در سطور آتی می آید؛ اما پیش از آن، ذکر دو نکته ضروری، به نظر می رسد:

اول اینکه به کاربردن واژه مجعول «کریدور زنگزور» به جای «دالان تورانی ناتو» از منظر تاریخی، سیاسی و حقوقی اشتباه می باشد. چرا که واژه دالان زنگزور با به عبارت دقیق تر واژه جعلی «زنگزور غربی» که توسط الهام علی اف رئیس جمهور آذربایجان ابداع شده است، به استان سیونیک (به مرکزیت قاپان) در جنوب ارمنستان که مرز ایران و ارمنستان را تشکیل می دهد، اطلاق می شود. در واقع این واژه در بطن خود ادعای ارضی علیه استان سیونیک ارمنستان را دارد. استدلال مقامات جمهوری آذربایجان آن است که این منطقه در سال ۱۹۲۲ از سوی شوروری به ارمنستان واگذار شده است، اگر این استدلال مبنا قرار گیرد طبیعتا نمونه های مشابه زیادی است از جمله قفقاز که جمهوری آذربایجان در آن قرار دارد در سال ۱۸۲۸ از ایران جدا و به روسیه واگذار شده است، ایغدیر و قارص و دالان قره سو که همگی متعلق به ایران هستند، در سال ۱۳۱۰ بدون مبنای حقوقی مشروع به ترکیه واگذار شدند، یا اینکه طبق قرارداد سور ۱۹۲۰ که عثمانی آن را امضاء کرده است، شش استان در جنوب شرق این کشور با عنوان «ارمنستان غربی» متعلق به ارمنی ها می باشند. طبیعتا با این استدلال باکو، همه اینها باید به صاحبان تاریخی شان بازگردند. به همین دلیل است که حقوق بین الملل و رویه قضایی بین المللی که چندین بار در آرای دیوان بین المللی دادگستری اشاره شده است، تاکید می کنند که: «رویدادهای تاریخی که دستخوش تحولات بعدی در روابط بین الملل شدند، نمی توانند مبنای ادعای مالکیت شوند». بر همین اساس نیز اطلاق «زنگزور» به جنوب ارمنستان، به معنای خدشه به تمامیت ارضی این کشور و نقض ماده ۴ منشور سازمان ملل است. از اینرو کاربرد عنوان مجعول «کریدور زنگزور» که متأسفانه سهوا در برخی از نشریات و منابع خبری و تحلیلی کشورمان به نقل از مقامات آنکارا و باکو و البته عمدا توسط لابی های وابسته به پان ترکیسم بکار برده می شود از منظر سیاسی، حقوقی و تاریخی اشتباه است. «واژه های مجعول» نیز بمانند میحث «تروریسم»، خوب یا بد ندارند همانطوریکه اطلاق عناوین مجعول «خلیج عربی» یا «آذربایجان ج ن و ب ی» اشتباه هستند، دالان زنگزور نیز همین شرایط را دارد.

بنظر می رسد چنانچه حدود ۲۲ ماه پیش و برای اولین بار نویسنده این سطور مطرح ساخته است، بهترین جایگزین برای این عنوان مجعول، عنوان «دالان تورانی ناتو» است. به این دلیل که اولاً محوریت این طرح یعنی ایجاد دالان «تورانی» علیه ایران، روسیه و چین را نشان می دهد و ثانياً مشخص می کند که این طرح فراتر از وزن جمهوری آذربایجان و ترکیه است و در پشت آن استعمار انگلستان قرار دارد که بیش از دویست سابقه راهبری پان ترکیسم از طریق پروراندن تئورسین یهودی انگلیسی الاصل مانند کوهن و آرتور لملی را در پرونده خود دارد همان ایده ای که در

فروباش، امیراتور، عثمان، نقش، داشت.

نکته دوم اینکه استناد باکو به ماده ۹ تفاهمنامه آتش بس نهم نوامبر ۲۰۲۰ فاقد اعتبار حقوقی است چرا که برخلاف بند ۶ شش تفاهمنامه که صراحتاً ایجاد دالان لاجین به عرض پنج کیلومتر میان قراباغ و ارمنستان را مطرح ساخته در بندهای ۹ و ۱۰ تنها بازگشایی و احداث خطوط مواصلاتی اقتصادی مطرح شده است که اولاً مکانی برای آن مشخص نشده است و این مسیر می تواند حتی به جای جنوب ارمنستان از سمت قازخ در شمال جمهوری آذربایجان هم باشد که دارای جاده ارتباطی به ارمنستان و نخجوان می باشد. ثانیاً خطوط مواصلاتی اقتصادی یعنی خطوط تحت حاکمیت مطلق کشور میزبان، این در شرایطی است که در خصوص دالان لاجین، طبق تفاهمنامه آتش بس، موضوع حاکمیت در اختیار باکو نیست.

از سوی دیگر یکسان انگاری دالان لاجین با کریدور جعلی زنگورکه همراه با شانناژ گسترده روانی، رسانه ای و فشار سیاسی و نظامی از سوی باکو به ایروان همراه است، از یک بُعد دیگر حقوقی نیز قابل خدشه است و آن اینکه نوعی به پیوستگی میان رژیم حقوقی دالان لاجین با قراباغ وجود دارد که بر محوریت اعطای خودمختاری به قراباغ کوهستانی (حداقل شبیه خودمختاری نخجوان) قرار دارد؛ موضوعی که جمهوری آذربایجان در اجلاس لیسبون سران سازمان امنیت و همکاری اروپا (۱۹۹۶) پذیرفته و بارها آمادگی خود را برای اعطاء خودمختاری عالی به قراباغ، به اطلاع مقامات گروه میسنگ رسانده است، حال آنکه اکنون موضع باکو تغییر یافته و رئیس جمهوری آذربایجان بر عدم ارایه هرگونه رژیم حقوقی به قراباغ تاکید کرده است. طبیعی است که از نظر ارامنه، در فقدان رژیم حقوقی برای قراباغ، دالان لاجین اهمیت ویژه و حقوقی نخواهد داشت.

اینکه علیرغم حل نشدن مساله قراباغ و عدم بازگشت آن به باکو، جمهوری آذربایجان همچنان روی موضوع انسداد مرزی ایران و ارمنستان از طریق «دالان تورانی ناتو» متمرکز شده است، ناشی از یک توطئه بزرگ تر است که سالها در اطاق فکری امنیتی ناتو با محوریت انگلستان و صهیونیسم بین الملل طرح ریزی و راهکارهای اجرایی برای آن پیش بینی شده است. از منظر آنها، روسیه، چین و ایران سه دشمن اصلی ناتو هستند و ائتلاف آنها به معنای راه اندازی نظم نوین منطقه ای علیه غرب می باشد. از آنجا که منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به عنوان هارتلند زمین، تنها منطقه ای است که با این سه کشور مشترک می باشد، بنابراین مستعدترین کانون جغرافیایی برای ضربه زدن به ایران، روسیه و چین می باشد و موتور محرکه این کانون، ترویج ایده پان ترکیسم و پان تورانیسم می باشد. قرار است در این فرایند ایده «پان ترکیسم» بمانند ایده «نازیسم» و «دالان تورانی» آن مانند «دالان دانزیک هیتلر» در قبل از جنگ جهانی دوم برای تغییرات ژئوپلیتیکی ایفای نقش کند.

«دالان تورانی ناتو» قرار است با از بین بردن مرز ایران و ارمنستان (واگذاری استان سیونیک به جمهوری آذربایجان، تحت هر عنوان ولو به عنوان راه مواصلاتی)، اتصال جغرافیایی پان ترکیسم (پان تورانیسم) از ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی را در راستای اهداف صهیونیسم بین الملل و ناتو ایجاد کند و از این طریق، زمینه را برای وارد کردن ضربات جدی به منافع اساسی و حیات حیاتی روسیه و ایران در چهار حوزه دنا فراهم سازد.

۱- حوزه ترانزیتی: روسیه، چین و ایران در حال حاضر در محوریت چهار طرح ترانزیتی بزرگ یعنی «طرح احیاء جاده ابریشم یا همان یک کمربند - یک جاده»، «دالان شمال & جنوب»، «کریدور اتصال خلیج فارس به دریای سیاه» و «کریدور اکو» هستند. در چارچوب دالان تورانی ناتو قرار است «کریدور لاجوردی» توسط آنکارا از ترکیه به قفقاز و آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان (گوادر) ایجاد و در عین حال کریدورهای چهارگانه فوق الذکر بنوعی از میانه قطع یا تضعیف شوند. اهمیت این موضوع از این نظر است که اندیشکده های آمریکایی اعلام کردند که تبعات طرح یک جاده - یک کمربند چین بمراتب بیشتر از خطر نظامی چین برای آمریکا است. اینکه ترکیه و جمهوری آذربایجان برای عضویت ناظری افغانستان دری و پشتو زبان، در شورای همکاری کشورهای باصطلاح ترک زبان اصرار داشتند، ناشی از همین موضوع یعنی جایگاه افغانستان در دالان لاجوردی، ترکیه بود.

۲- حوزه انرژی: دالان تورانی ناتو قرار است گاز ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان را از خزر به باکو برساند. در حال حاضر از باکو تا ایتالیا خط لوله انتقال گاز (شامل سه بخش قفقاز جنوبی، تاناپ و تاپ) فعال است اما باکو به تنهایی گاز کافی برای ارسال از این خط لوله ندارد. در صورت تحقق دالان تورانی ناتو و اتصال گاز سه کشور مذکور به این خطوط لوله، اروپا به گاز روسیه در قالب خطوط لوله استراتژیک نورد استریم و ایران (در قالب طرح نابوکو) نیاز جدی نخواهد داشت و ظرفیت های ژئوپلیتیکی روسیه و ایران در حوزه انرژی تضعیف و در عین حال چین نیز در تامین

انرژی مورد نیاز خود از آسیای مرکزی بویژه ترکمنستان با مشکل مواجه خواهد شد. از این منظر، حامیان طرح دالان تورانی ناتو امیدوارند با تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در مجلس شورای اسلامی که در آن احداث خطوط لوله انرژی در بستر خزر مجاز شمرده شده است، راه برای ایجاد خط لوله انرژی دالان تورانی هموار گردد.

۳- در حوزه مسایل قومی: دالان تورانی ناتو قرار است با اتکاء به بسترسازی قومی که باکو و ترکیه در دهه های اخیر در حوزه آذربایجان، ترکمن ها، تاتارها و اویغور ایجاد کرده اند یک موج گسترده قومی مبتنی بر پان ترکیسم علیه مناطق آذری نشین و ترکمن نشین ایران، منطقه اویغور نشین چین و مناطقی تاتار و ترک نشین روسیه ایجاد کند.

۴- در حوزه گسترش ناتو: دالان تورانی ناتو قرار است مستقیماً ناتو را وارد مرزهای شمالی ایران، مرزهای جنوبی روسیه و مرزهای غربی چین در استان سین کیانگ بکند و بدین ترتیب طرح محاصره این کشورها و زمینه سازی برای تجزیه آنها را تکمیل کند. واقعیت این است که اشتیاق ناتو به توسعه به سمت شرق پس از فروپاشی شوروی، هیچ گاه متوقف نشده است و ناتو با بازتعریف یک نقش ادعایی جهانی برای خود، هیچ گاه از منطقه با اهمیتی چون قفقاز و آسیای مرکزی چشم پوشی نمی کند، چنانچه آدام تامسون نماینده سابق ناتو و انگلستان در ناتو تأکید می کند دالان تورانی، ناتو را به مرزهای سن کیانگ چین می رساند. اینکه تصور شود چون ترکیه عضو ناتو است، ناتو نیازی به حضور مستقیم در هارتلندی چون قفقاز و آسیای مرکزی ندارد، تصویری «ساده لوحانه» است، چراکه: اولاً با چنین تصویری باید ناتو برای توسعه به سمت اوکراین، سوئد و فنلاند نیز حرکت نمی کرد و موجب جنگ با روسیه نمی شد چون دیگر همسایگان روسیه مانند استونی و لتونی از سال ۲۰۰۴ و لهستان (همسایه کالنینگراد روسیه) از سال ۱۹۹۹ عضو ناتو شده بودند. دوم هدف ناتو محاصره روسیه، چین و ایران است و اساساً حضور ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی به عنوان مکمل طرح محاصره روسیه از سمت دریای سیاه، محاصره چین از سوی دریای جنوبی چین و محاصره ایران از سمت خلیج فارس می باشد. سوم اینکه در هدف گذاری ناتو، دالان تورانی ناتو به عنوان مقدمه تقویت سازمان کشورهای باصطلاح ترک زبان و تاسیس باصطلاح «ناتوی ترکی» در قالب این سازمان (شبهه ایده ناتوی عربی در سازمان همکاری خلیج فارس) می باشد. بر همین اساس است که ناتو در دهه های اخیر علیرغم حساسیت روسیه به حرکت ناتو به سوی شرق، به عضویت ترکیه در ناتو بسنده نکرده و مستقیماً در قالب برنامه هایی مانند برنامه «مشارکت برای صلح» یا «برنامه همکاری انفرادی با ناتو» یا «برنامه آسمان باز»، روابط با این کشورها را در دستور کار قرار داده و گام به گام سعی کرده است این همکاریها را توسعه دهد.

با توجه به چهار کژکارکرد دالان تورانی ناتو که ذکر شد، مشخص است که دلیل اصرار بر ایجاد این دالان و دلیل مواضع سرمستانه باکو که ظاهراً بشدت به حمایت انگلستان و رژیم صهیونیستی دل خوش کرده است، چیست.

در کنار این کژکارکردها، دالان تورانی ناتو پیامدهای ویژه ای علیه ایران نیز دارد. این دالان قرار است با ایجاد خط لوله جدید انرژی در جنوب ارمنستان، مزیت انتقال گاز ایران به نخجوان، ترکیه و حتی ارمنستان و همچنین سوآپ گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از مسیر ایران را از بین ببرد و متوقف سازد و همین تاثیر منفی را بر مزیت ژئوپلیتیکی ایران در ارتباط دادن ترانزیتی ترکیه با جمهوری آذربایجان و آسمان مرکزی بگذارد.

ضمن اینکه دالان تورانی ناتو، با پمپاژ «پان ترکیسم بمثابه پان نازیسم»، استحاله هویت آذری در پان ترکیسم را هدف گذاری کرده است تا از یک سو «هویت آذری» که در طول تاریخ از جمله در جنگ چالداران در مقابل «هویت ترک آناتولی حنفی» قرار داشته است، از بین ببرد و آن را با هویت «ترکی آناتولی» جایگزین کند تا از این طریق تجاوزات نظامی و جنایت جنگی آن در تبریز و دیگر شهرهای آذربایجان، از اذهان زوده شود و از سوی دیگر با «ترکی» اطلاق کردن به هویت آذری، زمینه برای تشیع زدایی از آذربایجان فراهم گردد. از همین رو نیز در مقابله با این طرح، همه ایرانیان بویژه آذربایجان ایران که پاسداران تشیع و فرهنگ ایرانی در طول تاریخ خصوصاً در قفقاز بوده اند، نقش محوری دارند و حرکت به جلو مشمئز کننده محافل پان ترکیسم در خصوص طرح مساله باصطلاح «آذربایجان ج ۱، ۲ و ۳» ناشی از همین نگرانی آنهاست.

از اینرو نیز بعد از جنگ دوم قراباغ، تضعیف آذربایجان گرابی در جمهوری آذربایجان، کلید خورده و ترکیزه کردن هویت آذربایجانی در دستور کار رسانه ها، محافل سیاسی و امنیتی و دولتی باکو قرار گرفته است، این در شرایطی است که چنانچه در مصوبه ۱۹۹۶ مجلس ملی جمهوری آذربایجان نیز قید شده است هویت آذری مستقل و متمایز از هویت ترکی آناتولی است. بر این اساس می توان گفت «دالان تورانی ناتو» در اهداف کانونی خود، انقطاع تمدنی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران

با جمهوری آذربایجان و قفقاز و تشیع زدایی از این مناطق، همسو با امیال صهیونیسم بین الملل را قرار داده است.

با توجه به مجموع این مسایل است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که با دوراندیشی داهبانه، در دیدارهای جداگانه ای که در حاشیه اجلاس سران روند آستانه در تهران با رجب طیب اردوغان و ولادیمیر پوتین روسای جمهوری ترکیه و روسیه داشتند، موکداً تاکید فرمودند که ایران هرگونه طرح یا رویکردی که منجر به انسداد مرز ایران و ارمنستان گردد، تحمل نخواهد کرد. بدین ترتیب مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به صریح ترین شکل، مخالفت ایران با «دالان تورانی ناتو» را اعلام و آن را به عنوان خط قرمز تغییر ناپذیر ایران اعلام کردند. متعاقب آن رئیس جمهور کشورمان ۱۹ مرداد ماه گذشته در پاسخ به تماس تلفنی نخست وزیر ارمنستان با تاکید بر اهمیت این مرز، تاکید کردند ایران هیچگونه تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه را نمی پذیرد و آمادگی دارد تمام ظرفیت های خود را برای برقراری صلح و ثبات در منطقه قفقاز و رشد و توسعه آن بکار گیرد.

این موضع گیری ها نشان می دهد که ایران به تغییرات ژئوپلیتیکی و ایجاد «دالان تورانی ناتو» که تحزبه کشورهای منطقه را هدف گذاری کرده است، اجازه نخواهد داد.

اول : دالان تورانی ناتو به همان اندازه که علیه ایران، است علیه روسیه و چین نیز می باشد، شبکه وابسته به جمهوری آذربایجان و ترکیه تلاش می کنند مسکو را همسو با ایجاد دالانی تورانی ناتو نشان دهند. استناد آنها به صحبت های یک نظامی اخراجی روسیه که سابقه همکاری با جریان پان ترکیسم را دارد، نشان می دهد که از هر خبرسازی برای به اشتباه انداختن مقامات ایرانی استفاده می کنند. واقعیت این است که برخورد روسیه با گرجستان (۲۰۰۸)، با اوکراین در حال حاضر و اعزام نیرو به قزاقستان (در جریان شورش های دی ۱۴۰۰) نشان داد که روسیه در مقابل دالان تورانی ناتو نیز سکوت نخواهد کرد. اینکه این دالان علیرغم ۲۲ ماه فشار نظامی، سیاسی و امنیتی جمهوری آذربایجان، ترکیه و ناتو به دولت غربگرای ارمنستان، همچنان در عمل تحقق پیدا نکرده است، تا حدودی با این موضع روسیه ارتباط دارد. اقدام سراسیمه آمیز رئیس جمهوری آذربایجان در امضای بیانیه ائتلاف متحدین با روسیه در روزهای اول جنگ اوکراین، نیز بخاطر همین تصور باکو بود که نباید در روسیه این نظر را ایجاد بکند که باکو می خواهد پای ناتو را به منطقه باز کند. طبیعی است که روسیه که اکنون در قرا باغ مستقر و دست برتر را در تاثیرگذاری بر این منطقه دارد و در عین حال ملاحظاتی با ترکیه در حوزه دریای سیاه از منظر اجرای رژیم حقوقی این دریا، انتقال انرژی و مراهدات تجاری دارد، نایز، به دنبال رسانه های در خصوص دالان تورانی ناتو نمی بند.

دوم : دالان تورانی ناتو در صورت تحقق، به دلیل پمپاژ پان ترکیسم، تمامیت ارضی ارمنستان را مخدوش و بقای این کشور را در خطر قرار خواهد داد. از اینرو و علیرغم ادعاها، هیچ دولتی در ارمنستان نمی تواند پای چنین توافق ننگینی را امضاء کند و دوام بیاورد. بر همین اساس نیز علیرغم ادعاهای باکو و آنکارا، در خصوص باصطلاح فواید اقتصادی چنین دالانی برای ارمنستان، ایروان در ۲۲ ماه گذشته در مقابل فشارها ایستادگی کرده و از تاسیس سرکنسولگری ایران در قاپان استقبال کرده است.

سوم: سازمان کشورهای باصطلاح ترک زبان و تقویت آن بخشی از توطئه «دالان تورانی ناتو» است. هدف از این سازمان، پیشبرد ایده پان ترکیسم در منطقه و ایجاد شکاف و جلوگیری از تقویت سازمان همکاری شانگهای و سازمان همکاریهای اقتصادی آکو است. عده ای که عمداً یا سهواً موضوع لزوم عضویت ناظری ایران را با توجیه ساده لوحانه تاثیرگذاری بر تصمیمات این سازمان مطرح می سازد، در مسیر تقویت دالان تورانی ناتو حرکت می کنند. چرا که: اولاً، صرف عضویت ناظری یا هر نوع همکاری ایران با این سازمان به معنای مشروعیت بخشیدن به عنوان «کشورهای باصطلاح ترک زبان» است، حال آنکه چنین موضوعی واقعیت ندارد و مقامات کشورهای دیگری که ادعا می شود همزبان و ترک هستند با مترجم با همدیگر صحبت می کنند. بر همین اساس نیز امروزه بسیاری از اساتید مستقل در ترکیه، تکیه آنکارا بر این ایده را موجب تمسخر کشورشان در سطح بین المللی قلمداد کرده اند. به همان اندازه که سازمان باصطلاح کشورهای «شورای همکاری خلیج عربی» برای ایران موضوعیت ندارد، سازمان کشورهای باصطلاح ترک زبان نیز همین شرایط را دارد. دوم، دلیل خط دهی شبکه رسانه ای وابسته به پان ترکیسم در خصوص باصطلاح ضرورت عضویت ناظری ایران در سازمان مذکور، در راستای تحقق همان ایده استحالته هویت آذری در هویت ترکی آناتولی و القاء تعلق آذریهای ایران به جهان ترک می باشد. سوم، در شرایطی که ایران، روسیه و چین با همکاری مشترک در سازمان همکاری شانگهای بویژه بعد از عضویت تهران، اجرای نظم جدید منطقه ای را در دستور کار قرار داده اند، چه ضرورتی برای حضور در سازمانی است که هدف آن تضعیف شانگهای از طریق اجرای رویای ناتوی ترکی است.

چهارم : همه کشورهای سازمان باصطلاح ترک زبان، حداقل در یکی در سازمان های منطقه ای از جمله اکو، سیکا ، سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، جامعه همسود، پیمان امنیت دسته جمعی و دی هشت عضویت دارند و در نتیجه فقدان سازوکار نهادی برای همکاری با این کشورها، احساس نمی شود.

چهارم و نکته پایانی، در صورتی که باکو، آنکارا و ناتو واقعا توطئه «دالان تورانی ناتو» از طریق انسداد مرزی ایران و ارمنستان و دست اندازی به سیونیک دنبال نمی کنند و هدف ایجاد یک دالان همکاری تجاری استف بهترین راهکار عبور این مسیر در نقطه مرزی زنگیلان و نخجوان با ارمنستان از درون خاک ایران است که یادداشت تفاهم آن اسفند ۱۴۰۰ به امضای تهران و باکو رسیده است. ایران در سه دهه اخیر مسیر اصلی (نه مسیر جایگزین) اتصال خاک جمهوری آذربایجان به نخجوان، اتصال ترکیه به جمهوری آذربایجان و همچنین ارتباط ارمنستان با خارج بوده است و با هدف تضمین صلح پایدار میان جمهوری آذربایجان، ترکیه و ارمنستان، همین نقش محوری ایران اکنون نیز می تواند از طریق تداوم جاده زنگیلان به نخجوان از طریق خاک ایران، تقویت شود، ضمن اینکه این امکان هست خطوط (صرفاً) مواصلاتی دیگری میان جمهوری آذربایجان با نخجوان از طریق منطقه تاووز و قازاخ (که دارای جاده به ایروان و از آنجا به شمال نخجوان است) ایجاد شود؛ با وجود چنین راهکارهایی، اصرار باکو و آنکارا بر گذر کریدور از استان سیونیک ارمنستان، در واقع کوبیدن بر طبل «دالان تورانی ناتو» خواهد بود که نه ماهیت ترانزیتی و تجاری، بلکه ماهیت سیاسی، امنیتی و نظامی، ژئوپلیتیکی و مبتنی بر ادعای ارضی دارد. طبیعتاً با منطق جمهوری آذربایجان و ترکیه، ایران نیز می تواند درخواست ایجاد دالان از منطقه قره سو به سمت ایروان را داشته باشد تا دسترسی ایران به پایتخت ارمنستان از نقطه مرزی از حدود ۴۰۰ کیلومتر به کمتر از ۵۰ کیلومتر کاهش یابد بویژه اینکه اساساً قره سو تا نود سال پیش بخشی از خاک ایران بوده است.

اصرار باکو و آنکارا بر «دالان تورانی ناتو» نه تنها به تحقق این دالان منجر نخواهد شد بلکه با ایجاد واگرایی منطقه ای و به دلیل اتکاء بر قوم گرایی، آینده قراباغ را مبهم تر، اختلافات داخلی در حاکمیت علی اف را تشدید و نارضایتی و گسل های قومی در جمهوری آذربایجان را فعال تر خواهد ساخت، ضمن اینکه این موضوع می تواند به پاشنه آشیل دولت حرب عدالت و توسعه در انتخابات ژوئن ۲۰۲۳ در برابر ائتلاف شش گانه و ائتلاف کردها و علوی ها، تبدیل شود.

احمد کاظمی

*پژوهشگر ارشد مسایل اوراسیا